

BIBLIOTHECA INDICA

*

COLLECTION OF ORIENTAL WORKS

PUBLISHED BY

THE ASTATIC SOCIETY OF BENGAL.

NEW SERIES. Nos. 755, 764, 771, 775.

THE

RIYÁZU-S-SALÁTÍN

OF

GHLUAM-I-HUSAIN, SALIM.

EDITED BY

MOULAVI ABDUL HAK ABID,

CALCUTTA MADRASAH.

CALCUTTA:

PRINTED AT THE BAPTIST MISSION PRESS,

1890.

ریاض السلامین

(تاریخ بنگاله)

فالیف

خلام حسین - سالم



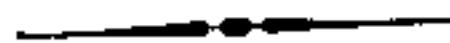
بتصویر

مولوی عبدالحق عابد

برای ایشیاگک سوسائٹی بنگاله

در مطبع بیپسست مشن

طبع درآمد



کلکته

۱۸۹-

فهرست مضافین ریاض السلاطین بالفاظ مؤلف *

دیباچه *

١	حمد
٢	فتح
٣	حال مؤلف
٤	سبب تالیف این رساله
۵	فهرست مضافین این رساله مرتبه مؤلف مشتمل بر مقدمه
۶	و چهار روضه
۷	

مقدمه مشتمل بر چهار چمن *

چمن اول — در بیان کیفیت حدود و اطراف ممالک پنگاهه —

۸	بنگاهه
۹	کوچ بهار
۱۰	بهروئی
۱۱	آشام
۱۲	ثیبت

[ریاض]

۱۵	ارخندگ
=	پیگو
۱۹	اویسہ
۲۰	چکرناٹہ
=	چمن دوم — در بیان بعضی خصوصیات ممالک بنگاله
چمن سیوم — در ذکر بعضی شهرها و آبادی بعضی بلاد ملک بنگاله					
۲۸	لکھنؤتی
۳۰	مرشدآباد
۳۲	هوگلی و سانگام
۳۴	کلکتہ
۴۱	چندن نگر - عرف فراشندانگه
۴۲	پورفیہ
۴۵	قہاکہ جہانگیر نگر
۴۶	سوخارگام
=	اسلام آباد - عرف چانگام
۴۹	بُگلا
۵۷	رزگپور و گهرقا گھافت
=	صحمود آباد
=	باریک آباد
۵۸	بازروها

۴۸	سلیمان
۴۹	شريف آباد
*	مدارن
*	اکبرنگر - عرف راج محل
*	مالدہ و پندڑہ
چمن چہارم	— در شرح حکومت رایان در زمان سلف در ممالک					
بنگاله بوسپیل اجمان	۵۱
شرح تسلط بعضی رایان هند بر ممالک بنگاله	۵۲
و سبب رواج " بت پورستی در هند	۵۳

روضه اول — در ذکر حکومت حاکمان اسلام
که از طرف سلاطین دهلی بنیادت درین
ملک فرمانروائی تردید آند *

۵۹	تمہید
۶۰	محمد بختیار
۶۱	خیام شیر، علی مردان خلجی در بنگاله		
*	سلط شدن غیاث الدین خلجی در بنگاله		
۶۲	حکومت سلطان ناصر الدین پسر سلطان شمس الدین		
۶۳	حکومت علاء الدین خان		
۶۴	حکومت سیف الدین ترک		

٧٣	حكومة عزالدین طغا خان
٧٤	حكومة ملک قرا بیگ تیمور خان
٧٥	حكومة ملک جلال الدین خانی
٧٦	حكومة ارسلان خان
٧٧	حكومة محمد تاتار خان
٧٨	حكومة طغرل المخاطب سلطان مغیث الدین
٧٩	حكومة بغرا خان المخاطب ناصر الدین بن غیاث الدین
٨٠	فرمانروائی بهادر شاه
٨١	حكومة قدر خان
٨٢	روضه ظانی - در ذکر سلاطین که در ممالک پنگاله
٨٣	بر سریر سلطنت جلوس فرموده خطبه
٨٤	* بنام خود خوانده اند *
٨٥	تمهید
٨٦	ذکر سلطنت سلطان فخر الدین
٨٧	سلطنت یافتنی علی مبارک المخاطب سلطان علاء الدین
٨٨	سلطنت حاجی الیاس المخاطب سلطان شمس الدین (پنگره)
٨٩	ذکر سلطنت سکندر شاه بن شمس الدین
٩٠	ذکر سلطنت غیاث الدین بن سکندر شاه
٩١	سلطنت سیف الدین ملقب سلطان السلاطین
٩٢	سلطنت شمس الدین بن سلطان السلاطین

السلطان [

- ١١٠ مساط شدن راجه کانس زمیندار
- ١١٩ ذکر سلطنت جلال الدین پسر راجه کانس
- ١٢٧ سلطنت احمد شاه بن جلال الدین
- ١٢٨ سلطنت ناصر شاه غلام
- ١٢٩ سلطنت باریگ شاه بن ناصر الدین
- ١٣٠ سلطنت یوسف شاه
- ١٣٥ سلطنت ملک اندیل جبشی المخاطب فیروز شاه
- ١٣٦ سلطنت سلطان محمد بن فیروز شاه
- ١٣٧ سلطنت سید هی بدر المخاطب مظفر شاه
- ١٣٩ سلطنت علاء الدین سید حسین شریف مکی
- ١٤٦ ذکر سلطنت نصرت شاه بن علاء الدین حسین شاه
- ١٤٩ سلطنت فیروز شاه بن نصرت شاه
- ١٥٣ ذکر سلطنت محمد بن علاء الدین
- ١٥٣ جلوس فرمودن نصیر الدین محمد همایون پادشاه بر سر بر بلده گور
- ١٥٥ بر تخت نشستن شیرشاه در شهر گور
- ١٥٧ حکومت خضرخان در گور
- ١٥٨ ذکر ایالت محمد خان سور در بندگانه

۱۵۰	فرماندهی خضرخان المخاطب بهادرشاه
۱۵۱	سلطنت جلال الدین بن محمد خان
=	فرمانروائی پسر جلال الدین
=	سلطنت غیاث الدین ..
۱۵۲	فرماندهی تاج خان کرانی
۱۵۳	فرماندهی سلیمان کرانی
۱۵۴	فرماندهی بایزید خان بن سلیمان خان
=	ذکر سلطنت داؤد خان بن سلیمان خان
۱۵۵	حکومت نواب خان جهان در ممالک بنگاله و کیفیت قتل
۱۶۱	داؤد خان
۱۶۷	کیفیت مستاعل شدن بعضی امراء داؤد خان

روضهٔ ثالث - در ذکر حکومت ذاته‌انی که از حضور
سلطین تیهوریہ دہلی بنظمت بنگاله ممتاز شدند *

۱۷۰	نظمت راجه مان سنگه
۱۷۱	نظمت قطب الدین خان
۱۷۴	نظمت جهانگیر قلی خان
۱۷۵	حکومت نواب اسلام خان و کیفیت قتل عثمان خان
۱۸۱	نظمت قاسم خان ..
=	نظمت ابراهیم خان و آمدن شاه جهان در بنگاله

- | | | | | | | | |
|------------------------------------------------------------------------|-----|----|----|----|----|----|---------|
| ذکر رسیدن موکب شاه جهانی در بنگاله و کشته شدن ابراهیم خان | ۱۹۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | فتح جنگ |
| جنگ نمودن شاه جهان با عساکر پادشاهی و رفتن بسمت دکن | ۱۹۹ | | | | | | |
| مقرر شدن صوبه بنگاله در جایگیر نواب مهابت خان و پسر او | ۲۰۲ | | | | | | |
| نظامت نواب مکرم خان | ۲۰۵ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| نظامت نواب فدائی خان | ۲۰۶ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| نظامت نواب قاسم خان | ۲۰۷ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| نظامت نواب اعظم خان | ۲۰۸ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| حکومت نواب اسلام خان | ۲۰۹ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| حکومت شاهزاده محمد شجاع | ۲۱۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| نظامت نواب اعقول خان | ۲۱۱ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| کیفیت حکومت شاه شجاع دفعه دوم و مآل حال او | ۲۱۲ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| حکومت نواب معظم خان خانخانان | ۲۱۴ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| حکومت نواب امیرالامرا شایسته خان | ۲۱۶ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| نظامت نواب ابراهیم خان | ۲۲۳ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| حکومت شاهزاده والاگوهر محمد عظیم الشان و قتل ابراهیم خان | ۲۲۴ | | | | | | |
| مقرر شدن نظامت بنگاله به نواب جعفر خان زیابه از طرف شاهزاده عظیم الشان | ۲۴۱ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| جلوس فرمودن سلطان فرخ سیر پسر بر سلطنت دہلی | ۲۷۳ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | ۰۰ | |
| نظامت نواب شجاع الدین محمد خان که ناظم صوبه اوقیسہ بود | ۲۸۸ | | | | | | |

۳۰۷	نظامت نواب سرفراز خان
۳۲۴	نظامت نواب علی وردی خان مهابت جنگ
۳۶۳	نظامت نواب سراج الدوله
۳۷۵	نظامت شجاع الملک جعفرعلی خان
نظامت عالی چاه نصیرالملک امیرالدوله قاسمعلی خان بهادر						
۳۷۹	نصوت جنگ
۳۸۵	نظامت بارثانی جعفرعلی خان بهادر

روضهٔ رابع - در ذکر مسلط شدن نصارای انگریز در
مالک دکن و بنگاله و دران دو خیابان است *

خیابان نخستین - در ذکر آمدن نصارای فرقہ پرتگیس و فرانسیس	و غیرہ در دکن و بنگاله	۳۸۷
خیابان دویم - در ذکر مسلط شدن نصارای انگریز در ممالک بنگاله	و دکن و غیرہ	۳۹۴

~~~~~

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \*

جهان جهان حمد سزاوار پارگاه جهان آفرینیست که - این مظاهر کوئی را بید قدرت کامله خوش بخلیه وجود محلی ساخته - علم خداوندی افراشت \* و عالم عالم ثنا لائق درگاه پروردگاریست که این نگارستان هستی را بقلم حکمت بالغه خود بر صحیفه کائناں بخط رنگاریگ نکاشت \* حکیم عالیمی که امور اندظام عالم و عالمیان و صلاح و سداد جمهور اقام (۱) بوجود سلطین - و زمام حل و عقد کاروبار اصناف بقی نوع انسان را بقیضه اختیار فرمانزدایان خطه غبرا - و اگذاشت \* دار جهانداری که - رنق و فتق مهمات طائف اقام و خیر و شر مرکز فشیقان داگره، پنهانه را بعیزان مصالح جهانداری سنجدیده - در هر اقلیمی و ملکی فرماندهی بروگماشت \*

(۱) (۱) اینجا افروزه شد - در نسخه‌های قلمی که مدار نصیب بود آنهاست مذکور نیست \* (۲) در نسخه‌های قلمی بجا و که نوشته \* (۳) مفاخرین تحقیق کرده‌اند که در الفاظ زبان فارسی ذهن فتح نیامده \*

زابر فیض او باع جهان سبز -  
 زباد لطف او گلزار جان سبز \*<sup>(۱)</sup>  
 زردگ آمیزی نقاش منعش -  
 زمرد میشود در جوف کان سبز \*  
 سبحانه تعالی - جل شاده و ثنائه - و عزم الـه و آله - و الحمد  
 علی نعمائه \*

و صلوات بپس امعات و تحيات زاکیات بر جمیع فرمانبران  
 بارگاه وحدتش که نفوس انبیا و رسول باشد - علی الخصوص بران  
 آیه رحمت عالمیان - مقتدامی اهل ایمان - خاتم پیغمبران - شارع  
 شرع قویم - سراج رهای صراط المستقیم -  
 مقصود ظهر این مظاهر - نور اول ظهور آخر \*<sup>(۲)</sup>  
 یعنی فخر النبیا - سید ازکیا - شفیع یوم الجزا - محمد مصطفی  
 احمد مجتبی - صلی اللہ و سلامہ علیه و آله و اهل بیته الطاهرین -  
 و اوصیائه و اصحابه اجمعین \*

اما بعد اضعف العباد - الراجی بشفاعة السيد الكوئین -  
 غلام حسین - المختلص سلیم زید پوری - چندین گوید که چون از  
 چندگاه - بحسب اتفاق وقت - بملازمت خدمت صاحب والا

(۱) محققین گلزار به زای هوز نویسند \* (۲) در سخن‌های قلمی بعد  
 لفظ اول و نوشته \* (۳) در نسخه‌های قلمی همچنین \* (۴) چنان  
 بایستی نگاشت - غلام حسین زید پوری مختلص به سلیم \*

مناقب - اعلیٰ مذاهب - خجسته سیرت - فرخنده سریعت - کریم  
 الطبع - حلیم المزاج - سدواه شیم - سراپا هم - حاتم کشور سخاوت -  
 ذوشیروان ممالک عدالت - خداوند فیاض زمان - مشفق و مهریان -  
 بسیار بخشش و کم سقان - قدردان فیض رسان - از همه او ها ف مستغفی  
 مسٹر جارج آذنی<sup>(۱)</sup> - ادام الله تعالیٰ اقباله - و زاد حشمته - و رفع  
 درجه - و ضاعف عمره و قدره - سلک ملازم مقتظم گردیده -  
 همواره مستغیض فیض و احسانش و بہره یاب انعام و نوالش بوده  
 و هست • الحق ذات مجمع الحسنات و منبع الفیوضات آن معدن  
 جوهر شناسی - یگانه عصر بل از مقدمات روزگار و دهر - عدیم  
 لمؤلفه - <sup>(۲)</sup>  
 المثال است •

بود در هر فضیلت ذات او مجموعه خوبی -  
 هران وصفی که آید در گمان افزون ازان دارد •  
 دل آرشن صواب اندیش چون پیران دانا دل -  
 ولی اقبال عمر و حشمته و بخت جوان دارد •  
 بیشتر سنجید بدامن گوهر معنی فرو ریزد -  
 دو لب همچون دو گف و وقت تکلم در فشان دارد •

(۱) در نسخه های قلمی ادلی به لام نوشته مگر در تاریخ بنگاله چارلس  
 اسکوارث به نون است و همین صحیح است • (۲) در یک نسخه قلمی  
مثال نوشته و در دو دیگر مثل • (۳) شاید که بعد لفظ اقبال و قلم

## [ریاضن]

مهیا خوان فعمایش<sup>(۱)</sup> بمسکینان و محتاجان -

زر و دینار موجود از برای مفلس‌ان دارد •

چون طبع بلندش علی الدرام مائل بمعطاله کتب تواریخ و سیر  
 (د) خواهان انواع علم و هنر است - لهذا رای فیض پیرایش -  
 در ایام سنه ۱۲۰۰ یک هزار و دو صد هجری مقدسه نبوی و مطابق  
 ملت نصاری سنه ۱۷۸۶ یک هزار و هفت صد و هشتاد و شش  
 (۳) عیسی - جویای احوال سلاطین و حکام سلف - که در ممالک  
 جفت البلد پنداله رایت فرماده<sup>۴</sup> افراسنه به ذهانخانه عدم  
 همگفته اند - شده - باین قلیل البضاعت حکم محکم اصدار گردید  
 که هرچه از کتب تواریخ وغیره دریافت شود بعبارتی سلیس عام  
 فهم خاص پسند بحیث تحریر در آرد • این هیچمدان قلیل الاستعداد -  
 امثال مثال خداوند ذument را واجب و منحتم دانسته - رهی  
 مثال اذگشت قبول بر دیده نهاده - کمر سعی و اهتمام بر میان  
 جان بسته - از هرجا فقره فقره بهم رسانیده - بعرض دو سال  
 بتألیف و ترتیب این رساله پرداخته • و پس از اختتام نامش  
 موافق تاریخ تمام ریاض<sup>(۵)</sup> السلطین ساختم - امید که مذکور نظر

(۱) در یک نسخه قلمی یقمایش نوشته • (۲) و ملت نصاری این

حافظ ییگار است چه لفظ عیسی پائین مذکور است • (۳) لفظ سال

ییگار • (۴) در نسخه‌های قلمی زهی به زای هوز نوشته کاتب غلط گرده

باشد • (۵) بحساب الجدد ۲۰۳ میشود •

ارباب بصیرت شود • التماس از راقغان آثار سلف آنست - ازانجا  
که فقیر از ناقلی بیش نیست - مع هدا - بمقتضای انسان مرکب  
مع الخطاء و النسیان - اگر خطائی و سهوی ملحوظ نظر گردد -  
معدور و معاف داشته -

پقدار وسع در اصلاح کوشند • اگر اصلاح نتوانند پیوشنده •  
و بنای این رساله بر مقدمه و چهار روش نهاد • و ترتیب  
فهرست آن بین فہج است -  
مقدمه - مشتمل بر چهار چمن -

چمن اول - در بیان کیفیت آبادی ممالک بذکاله و حدود  
و اطراف آن •

چمن دوم - در بیان بعضی خصوصیات آن ملک •

چمن سیوم - در ذکر بعضی بلاد آن ممالک •

چمن چهارم - در ذکر حکومت رایان هند بر سریل اجمال  
و اقصار •

بریشه ارگ - در ذکر حکومت حاکمان اسلام که از طرف  
سلطین دهلي بذیابت درین ملک فرمانروائی کرده اند •

روضه درم - در ذکر سلطین که - در بذکاله بر سرپر سلطنت

(۱) معهذا نیز رسم خط است • (۲) در نسخه‌های قلمی مرکب نوشته •

(۳) (بنیها) شاید که مکنه حرفی را چائز داشته یا بجهای پیوشنده

(۴) در نسخه‌های قلمی اقصار نوشته و غالباً اختصار باشد •

جلوس فرموده - خطبۀ سلطنت بقام خودها خوانده اند \*

روضه سیوم - در بیان احوال ناظمانی که از حضور سلطنت  
چنگیه‌ها درین ملک پنظامت پرداخته اند \*

روضه چهارم - مشتمل بر دو خیابان -

خیابان نخستین - در ذکر آمدن نصارای فرقه پرتگیس  
و فرانسیس وغیره در دکن و بنگاله<sup>(۱)</sup>

خیابان دوم - در ذکر مسلط شدن نصارای انگلیز در ممالک  
بنگاله و دکن \*

### \* مقدمه - مشتمل بر چهار چمن \*

چمن اول - در بیان کیفیت حدود و اطراف ممالک بنگاله \*

مشهود خواطر سیاحان اقالیم سیر و تواریخ باد که صوبه بنگاله  
در اقلیم دوم است - از اسلام آباد عرف چانگام تا به تیلیا گذهی<sup>(۲)</sup>  
شرقاً غرباً چهارصد کروه طول - و عرض شمالاً و جنوباً از کوهستان  
شمالی تا سرکار مدارن - که حد جنوبی این صوبه است - دو صد  
کروه مسافت دارد \* و چون در زمان سلطنت جلال الدین محمد

(۱) جائی دیگر چنگی نوشته و همین صحیح است - صفحه ۹۰ سطر  
۳ بنگرد \* (۲) بعض مردم چانگانو نویسنده و خوانده \* (۳)  
متاخرین گذهی خوانند و به رای هندی نویسنده و صاحب سیر المتاخرین  
تلہا گذهی نوشته \*

اکبر پادشاه غازی صوبه اوئیسه بر دست کالا پهار مفتوح شد - و آن صوبه داخل ممالک محروسه پادشاه دهلي گردید - و صوبه اوئیسه را نیز با بنگاهه منظم کردند - طول چهل و سه کرونا و عرض بست کرونا افزوده شد \* در حدود چهارب این صوبه دریای هزار واقع است - و سمت شمال و مشرق کوهستان شوامخن - و طرف مغرب بصوبه بهار اتصال دارد \* و در زمان جلال الدین محمد اکبر پادشاه - عیسی خان افغان - بعضی ممالک مشرقی را مفتوح ساخته - سکه و خطبه اکبری رائج نموده - متعلق صوبه بنگاهه کرد \* بست و هشت سرکار و هشتاد و هفت محل درین صوبه است \* در ازمنه ماضیه پنجاه و نه کرونا و هشتاد و چهار لک و پنجاه و نه هزار و سه صد و نوزده دام جمع مقرری آن صوبه بوده است - که یک کرونا و چهل و نه لک و شصت و یک هزار و چهار صد و هشتاد و دو روپیه پانزده آنه و کسری روپیه سکه میشود \* و بست و سه هزار و سه صد و سی سوار - و هشت لک و یک هزار و یک صد و پنجاه و هشت نفر پیاده مدامی - و یک صد و هشتاد زوجیر فیل - و چهار هزار و دو صد و شصت

(۱) آریسه نیز خوانند و نویسند - صفحه ۹ حاشیه ۳ بنگرنده \* (۲)

در نسخه های قلمی اینجا کاله نوشته وجا های دیگر کالا - صفحه ۱۵

مطر ۴ بنگرنده \* (۳) ضم با یستی نگاشت - در نسخه های قلمی

منظمه و منظم نوشته و همچنان جالی دیگر - صفحه ۱۶ مطر ۳ بنگرنده \*

## [ ریاض ]

ضرب نوب - و چهار هزار و چهارصد کشتی - متعین میمود -  
و متصل حدود شمالی چانگام - ملک راجه قهر است - و  
آن ملکی وسیع است \* رایان آنجا خطاب مانگ دارد - چنانچه  
نیامانگ وغیره \* و خطاب امرای آنجا فرائی است \* راجه آنجا  
پک هزار زنجیر نیل و دو لک پیاده نوکر میداشت \* و سوار اسب  
بهم نمیرسد \*

ما بین شمال و مغرب بنگاه مadol بطرف شمال - ولایت  
کوچ بهار واقع است - طوش شرقاً و غرباً از ابتدای پرگنه بهیدرند -  
که داخل ممالک محروسه است - تا پاتکانون - که سرحد ممالک  
مورنگ است - پنجاه و پنج کروه جویی - و عرضش جنویاً و شمالاً  
از پرگنه ناجهات - که از جمله ممالک محروسه است ) - تا پو  
شکریور - که متصل کوتفاگهات است - پنجاه کروه جویی \* و  
این ملک در گواراچی و عذوبت آب - و اعدمال و لطافت هوا -  
و فراحت امکنه و بساتین - از سائر زمین شرقی ممالک هقدوسستان  
ممتاز است \* نارنج کلن بسیار خوب میشود - و دیگر فواكه هم  
افرات دارد \* نهال فلفل دران ملک میشود - بخش باریک -  
و شاخهایش بالای تلارها میدوانند - خوشهایش بطری  
خوشهای انگور از شوخ می اویزد \* ساکنان آنجا دو قوم اند

(۱) در نسخه سای فلسفی اند \* (۲) بعض کانو نویسند \* (۳) در  
نسخهای قلمی تا پو شکر پور نوشته \*

(۱) منج و کوچ - و راجه از قوم اول است \* و سکه بزر میزند \* و روپیه مضروب آن ملک را نراینی میگویند \* رایان عظیم الشان در آنجا شده اند \* یک هزار و یک لک پیاده علی الدوام ملازم رای آنجا بوده است \* و ملک کامروپ<sup>(۲)</sup> - که آنرا کامروپ کامنه گویند - در حکومت رایان آنجا بوده است \* مردمان ملک کامروپ خوبصورت - و در جادوگری علم استادی می افرازند \* و اکثر حکایات آنجا دور از عقل روایت میکنند \* چنانچه از نباتات آنجا میگویند که ببوی گلها بعد از چیدن چند ماه بدنستور قائم و بحال میماند - و قداس ازان میسازند \* و از بریدن درختان اکثر عرق شیرین حاصل میشود \* و درخت انبه بطور انگور بر تالارها میمالد - و میوه انبه میدهد - علی هذا القياس \*

و کوهستان بهوتت - که مسکن بهوتیه است - در سمت جغوبی کوچ بهار واقع است \* اسپان گانگن و بهوت و برب<sup>(۳)</sup> - و آهوری مشک دران کوهستان میشود \* و در وسط آن ملک فهری

(۱) ذر تاریخ فرشته منج و کونج نوشته - تاریخ فرشته چاپ بمجهی سنه ۱۸۳۴ صفحه ۵۷۲ سطر و بنگردند \* و در طبقات ذاصری کوچ و منج نوشته -

طبقات ذاصری مطبوعه کلکته سنه ۱۸۶۱ صفحه ۱۵۶ سطر و بنگردند \*

(۲) کامرو و کامرو و کاندو و نیز نوشته اند \* (۳) در دیگر کتب تواریخ کامنا نوشته \* (۴) در نسخه های قلمی واقعه - دیگر جا در همان نسخه ها واقع - صفحه ۱۵ سطر و بنگردند \*

از میان دو کوه جاری سست - عرض کم دارد اما بسیار تند و عمیق \*  
 زنجیره از آهن بالای آب بسته - هردو سر زنجیر را بسنگهای  
 طرفین فهر بند کرد - و زنجیر دیگر محادیه زنجیر مسطور بر  
 فرق آن بارتفاع قد آدم تعییه نموده - میدارند \* متعددین پا  
 بر زنجیر اسفل نهاده دست بر زنجیر اعلی زده عبور مینمایند \*  
 طرفه تر آنکه اسپان ٹانگ و جمیع اعمال و انتقال را نیز ازین آب  
 بر همین زنجیر میگذرانند \* مردم آن ملک سرخ و سفید و  
 تنومند میشوند \* و موی سر میگون از اطراف سر و گردن  
 فرو هشته دارند \* و لباس غیر از یک لذگ - که ستر عورت توان  
 ساخت - دیگر ندارند \* افاث و ذکور این ملک بهمین هیأت  
 و وضع میباشند \* و لهجه زبان شان با زبان مردم کوچ بهار موافقنی  
 دارد \* گویند کان فیروزه هم دران کوهستان سست \*

و ما بین شمال و مشرق ممالک بذگله - پیوسته بملک  
 کامروب - ولایت آشام <sup>(۱)</sup> واقع است \* فهر برمها پقر در وسط آن از  
 مشرق جانب مغرب جریان نموده \* طولش شرقاً و غرباً - از  
 گواهتی تا سدیه - تخمیناً دو صد کوهه جریبی - و عرضش <sup>(۲)</sup> شمالاً  
 از کوهستان قوم مری <sup>(۳)</sup> و مجمی و دفله و لانده <sup>(۴)</sup> تا جبل قوم نانگا -

(۱) صفحه و حاشیه ه نگرند \* (۲) شاید که لفظ جنوبی اینجا قلم  
 انداز شده \* (۳) در نسخه های قلمی این چهار نام مشکوی \* (۴) در  
 نسخه های قلمی با نوشته \* (۵) در بعض کتب نانگه \*

قیاساً هفت هشت روزه راه <sup>(۱)</sup> ، جبال چنیش <sup>(۲)</sup> با کوهستان خسیه و کچهار و کشمیر در طول لحق <sup>(۳)</sup> - و در عرض باطن مسکونه قوم فانگا لحق <sup>(۴)</sup> و کوهستان شمالش در طول با روایت شامخ کامروپ پیوسته <sup>(۵)</sup> - (و) در عرض پیش روز کوههای سابق قوم <sup>(۶)</sup> ولاده کشیده <sup>(۷)</sup> سر زمین ساحل شمال نهر برمها پتر را او تراکول (گردید) از گواهتی تا مسکن مری و مجی <sup>(۸)</sup> - و امتداد دکهن کول از ملک یکتی رانی تا موضع سدیه <sup>(۹)</sup> \* آب و هوای سواحل نهر برمها پتر فی الجمله برای غیر بومی سم است \* هشت ماه بارش باران می‌شود - و چهار ماه زمستان هم خالی از بارش نیست <sup>(۱۰)</sup> و ریاحین و فواكه هند و بنگاله دران ملک بهم می‌رسد - و سوای آن نیز می‌شود که در سائر ممالک هند نیست <sup>(۱۱)</sup> و محصول عمده آن ملک شالیست <sup>(۱۲)</sup> \* گندم و جو و عدس نمی‌کارند - اما زمینش قابل است هرچه بکارند <sup>(۱۳)</sup> \* نیک کمیاب و هریز - و آلچه در دامن بعضی از کوههای بهم رسد نلخ و گزند <sup>(۱۴)</sup> \* خروس چنگی آن ملک رو از حریف نمی‌تابد - اگرچه طرف ثانی قوی و کلان

(۱) در نسخه‌های قلمی تَأْنِيَة <sup>(۱۵)</sup> نوشته <sup>(۱۶)</sup> (۲) در نسخه‌های قلمی به صاد نوشته <sup>(۱۷)</sup> (۳) در نسخه‌های قلمی اعلوان <sup>(۱۸)</sup> نوشته <sup>(۱۹)</sup> (۴) در نسخه‌های قلمی رو <sup>(۲۰)</sup> (۵) در بعض جا در نسخه‌های قلمی الآنَدَة <sup>(۲۱)</sup> (۶) در نسخه‌های قلمی إِنْجَا نَحْرَ نوشته و بالا (صفحه ۱۰، سطر ۱۵) نهر نوشته و همان صحیح <sup>(۲۲)</sup> (۷) در نسخه‌های قلمی مَهْوَى \*

پلشید - آنقدر بجذبکد که مغز سر پریشان شود و بمیرد \* و فیل کلان  
متذکر اعضاء در صحاری و جبال وافر \* و آهو و گوزن و فیله  
و قوج نیز بسیار میشود \* از ریگ دریایی برمها پتر طلا حاصل  
میشود \* دوازده هزار اسامی بین کار مقرر اند \* هرسال بحساب  
فی نفر یک توله طلا بسرکار راجه داخل میسازند - اما طلا  
کم عیار - که یک توله بهشت و نه روییه فروخت میگردد - (و)  
روییه و اشرفی بقام راجه آنجا مسکونک \* و خرمهره رائج دارد -  
و فلوس مس رواج ندارد \* و آهوي مشکین در کوهستان آشام  
است - نافه ایش بزرگ پرازدانه های کلان و خوشرفگ و اذفر \*  
و چوب عود - که مذکورش کوهستان دامروپ (۴) و سدیه و لکهورگ است -  
مشکین و معطر میشود \* و خراج از رعیت نمیگیرند \* از هر خانه  
در سه نفر یک نفر بخدمت راجه قیام مینمایند - و در اطاعت  
حکم راجه تهاؤن نمیورزند - و اگر تهاؤنی واقع شود بقتل رسند \*  
راجه آنجا بر مکان بالا میباشد - و پا بر زمین نمیگذارد - و اگر  
پا بر زمین نهاد از راجگی عزل شود \* و اعتقاد باطل آنها برآنست  
که آبا و اجداد شان بر آسمان میبوده اند - وقتی نردنیان طلا فهاده

(۱) رواج بایستی نگاشت - جایی دیگر نیز رائج نوشته -

صفحه ۵۰ سطر ۲۱ بنگرفته - (۲) در سخنه های قلمه - ی اینجا

لای اضافت ننوشته - و همچنان جاهای دیگر در صفحه ۹ سطر ۲۱

آهوي مشک و اینجا مشکین \*

بر زمین فروه آمدۀ بود<sup>(۱)</sup> - ازان زمان بر زمین بماند - لهذا او را راجه سرگی گویند - و سرگ بزبان هندی آسمان است \* و راجه‌های آنجا زبردست و عظیم الشان بوده اند \* گویند چون رای آنجا فوت می‌شود - ذکور و افات و خواص و خدمه متوفی را - با برخی از اسباب تجمل و حوائج و فروش و لباس و ماکولات - با چراگی پر رون - با او در دخمه باستحکام تمام بچوپهای قوی بهوشند \*

و متصل ملک آشام تبت است - و متصل تبت خطأ  
و ماجین است - و دارالملک خطأ خان بالغ است - که از دریایی  
شور چهار روزه راه فاصله دارد \* گویند از خان بالغ تا کفاره دریایی  
شور نهر آب کاویده - و هردو کفاره آن سفگین ساخته اند \* و در  
کوه‌ها جانب شرقی آشام - طرف اوتراکول - بمسافت پانزده روز -  
قوم مری و مجسی سکونت دارند \* دران کوهستان آهري مشکین  
و فیل پیدا می‌شود \* نقر و مس و ارزیز ازان جبال بهم رسد \*  
طرز و وضع آن قوم از آشامیان موافقنی دارد - و در حسن و  
ملحت از نسوان آشام بیشتر اند \* و از تفکر بسیار میتوسند -  
و گویند بد چیزی سست - نعره میزند - و از جا حرکت نمیکند -  
و بچه از شکمش برآمده آدم را میکشد \*

(۱) بود بصیغه واحد آورده و فاعلش مذکور نکوده \* (۲) در آئین اکبری خفا به نای قوشت و چای دیگر در فیان بو هم پر به طای حطی نوشته \*